

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۶۸

جمعه ۱۰ مرداد ۱۳۹۳، ۱ اوت ۲۰۱۴

اعتصابات و اعتراضات کارگری بی وقفه ادامه دارد!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه

راهپیمایی تعدادی از کارگران اتحادیه ساختمانی و کشتیرانی در سیدنی در حمایت از کارزار دوم اوت و در همبستگی با رضا شهابی و کارگران زندانی

صفحه ۸

عکس رضا شهابی و شاهرخ زمانی بر سر در سفارت رژیم اسلامی در لندن

صفحه ۹

روز جهانی حمایت از رضا شهابی ، بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی

صفحه ۱۲

تظاهرات سراسری در آلمان

علیه داعش

شورای مرکزی اکس مسلم

صفحه ۱۲

جنایات اسرائیل

در خدمت اسلام و ارتجاع و قهقرا!

مصطفی صابر



قاتل جنگی چون نتنیاهاو حمایت میکنند و یا در مقابل جنایاتش خفه خون گرفته اند، در اینصورت طبعاً جنایتکاران اسلامی و غیر اسلامی میتوانند بر خود ببالند که تنها نیستند.

در واقع همه جا زندگی مردم دست جنایتکاران جنگی است. حالا داعش میتواند با خیال راحت تری اعدام و سنگسار کند و سر ببرد. چرا که نتنیاهاو و اوپاما با تانک ها و جت های آخرین مدل روی ایشان را سفید کرده اند. اسد و حزب الله هم حالا با دغدغه کمتری میتوانند به نسل کشی در سوریه ادامه دهند. چرا که سوگلی آمریکا دارد همین کار را چند کوه آنطرف تر علیه ساکنین محاصره شده غزه انجام میدهد و کسی هم در سازمان ملل و دولتهای فخیمه چندان جرئت ندارد بگوید که بالای چشم ایشان ابروست. حالا خامنه ای

جنایاتی که اسرائیل هر روز در غزه به ارتکاب آن مشغول است، خشم و نفرت و بیزاری وسیعی را در دنیا برانگیخته است. طوری که آدم عادی این روزگار دلش نمی خواهد صبح از خواب بیدار شود و بفهمد چند کودک فلسطینی دیگر در خون غرقه شدند و چند مدرسه و بیمارستان دیگر بر سر دکترها و مریض ها خراب شده است.

اما در نقطه مقابل این احساس عمومی، میتوان حدس زد که اسلامیست ها از هر قماش و فرقه از این اوضاع خونین و مالیخولیایی بنوعی خوشحالند و از آن نیرو میگیرند. از خالد مشعل و حسن نصرالله گرفته تا خامنه ای و دیگران همگی احساس "مقاومت" و حتی پیروزی میکنند. وقتی دولت های "جهان متمدن" از آمریکا و اروپا گرفته تا بقیه، همگی از

میتواند بیاید و در باره " زفراندم در اسرائیل" کُری بخواند و یادش برود که چطور خود ایشان برای اینکه نخست وزیر محبوب امامشان به قدرت نرسد زیر همان انتخابات اسلامی قلابی شان زد و خون امثال نداها و اشکان ها را بر خیابان ریخت و "کهریزک" به جان مردم انداخت.

البته موضوع فقط به اسلامیست ها و یا ارتجاع در

صفحه ۴

اسلام سیاسی و جنگ اسرائیل در غزه (۱)

علی جوادی

صفحه ۳

بازگشت به نقطه صفر

در حاشیه بیانیه "به کشتار مردم فلسطین بی درنگ پایان دهید!"

شهلا دانشفر

صفحه ۲

یک نمونه از جنایت

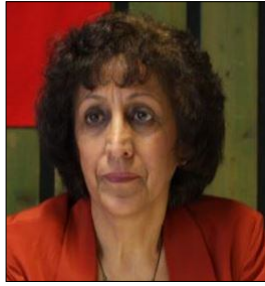
بهرز مهرآبادی

صفحه ۴

بازگشت به نقطه صفر

در حاشیه بیانیه "به کشتار مردم فلسطین بی درنگ پایان دهید!"

شهلا دانشفر



خود را چپ میخواند اما اسلامزده است و عملاً در سیاست دنباله رو طیفها و جناحهای حکومت اسلامی است و از همین رو فقط جنایات اسرائیل علیه فلسطینیان را بعنوان جنایت برسمیت میشناسد اما ارتجاع متعفن و اسلامی در فلسطین که حماس و جهاد و جمهوری اسلامی آنرا نمایندگی میکنند، نمی بیند یا از سر عافیت جویری کوتاه نگرانه ترجیح میدهد آنرا نادیده بگیرد. اینها ابتدا بیانیه ای را امضا کرده اند و بعد با اولین ملاحظه و مخالفت اسلامی ها، پشیمان شده و ندامت جویانه به نقطه صفر بازگشت کرده اند.

همانگونه که ما در بیانیه حزب کمونیست کارگری گفته ایم جنگ حاضر در چهارچوب مقابله ارتجاعی میان نیروهای اسلامی و دولت اسرائیل قرار دارد و شعله ور شدن کنونی آن در تحولات اخیر در خاورمیانه ریشه دارد. به این معنی که دولت اسرائیل که با تشکیل دولت مستقل فلسطینی مخالف است، نزدیک شدن حماس به مواضع الفتح و تشکیل دولت واحد خودگردان در نوار غزه و کرانه غربی را مغایر اهداف و منافع خود میدانند و هدفش جلوگیری از قوام گرفتن چنین دولتی و به بن بست کشاندن هر نوع تلاشی برای ادامه مذاکرات صلح در منطقه است. در این راستا برای دولت اسرائیل بحران و شرایط فاجعه بار عراق پوشش مناسبی است تا مردم ساکن غزه را در محاصره قرار دهد و روی سر آنها بیرحمانه بمب و موشک بریزد و هرروز دهها نفر را به قتل برساند. هر انسان شرافتمندی که بخواهد حرفی انسانی در مورد این اوضاع بگوید قطعاً دو طرفی را که حفظ موجودیتشان به ادامه جنگ و کشتار و نفرت قومی گره خورده محکوم میکند، کشتار صدها فلسطینی در غزه توسط ارتش و دولت کثیف اسرائیل را شدیداً محکوم مینماید و در عین حال بدون هیچ تردیدی تروریستهای اسلامی را که با برافراشتن پرچم نابودی کشور اسرائیل، زن و مرد و کودک

دست شده و هر کسی امضایش را زیر آن گذاشته است. اما بعد از انتشار معلوم شده است که در بخش دوم بیانیه موضعی اتخاذ شده است که به هیچ روی مورد قبول ایشان نبوده است. آنگاه سفره دلش را باز کرده و چنین مینویسد: "در حدی که به حماس مربوط می شود مبارزه مردم ستمدیده فلسطین امروز در قالب گروههای مختلف مقاومت از جمله حماس سازمان یافته و جریان دارد و به هیچ روی نمی توان این مبارزه را با جنایات بی شرمانه صهیونیست ها در یک تراز قرار داد". واقعا عجب اغفال جمعی ای صورت گرفته!

بدین ترتیب ناصر زرافشان سنگ تمام گذاشته و تا آنجا جلو میرود که در جنگ ارتجاعی امروز در غزه حماس را ظرف مبارزه مردم فلسطین تعریف میکند. یعنی همان خط و سیاستی که خامنه ای و کل جمهوری اسلامی نمایندگی میکند. کسانی هم فرصت را غنیمت شمرده و سیاست و خط بیانیه را متأثر از سیاستهای حزب کمونیست کارگری معرفی کرده اند.

آنچه در خلال این بحث و کشاکش ها و اغفال شدن با بروز میکند، کشاکش دو جریان متضاد در درون این طیف است. گرایشی که تحت تاثیر و همسو با چپ و رادیکالیسم جامعه گامی به جلو برداشته و میخواهد حقیقت را ببیند و بگوید و در نتیجه دوطرف کشاکش را محکوم میکند، جنایات اسرائیل علیه مردم محروم غزه و فلسطین را افشا و محکوم میکند و در عین حال جنگ افروزی و موشک پرانی جریان ارتجاعی حماس به سوی مردم اسرائیل را نیز مورد حمله قرار میدهد. و گرایش دیگری که

همان ادبیات رایج ملی - اسلامی تحت عنوان "تبلیغات امپریالیستی و صهیونیستی" به دفاع از جنایات حماس برخاسته و آنرا از نوع مقوله "دفاع" دانسته و اندر باب مقبولیت حماس سخن میگوید. او مینویسد: "من به هیچوجه ارتش و دولت و حتی افکار عمومی اسرائیلی تحت تاثیر غول تبلیغات امپریالیستی و صیونیستی را با مقاومت یا مقابله ی حماس و اساسا این تشکیلات همسنگ نمی گیرم و کار حماس را اساسا از مقوله ی دفاع می دانم. حماس و بخش گسترده ای از مردم غزه، و حتی مردم کرانه باختری برآنند که اگر همین موشک پرانی ها نباشد خونخواران اسرائیلی هارتر می شوند (راستی کسی از راه دور چقدر مطمئن است که اشک کباب باعث طغیان آتش نمی شود؟) حماس هم اکنون در میان مردم غزه، که زیر آتش مرگبار و آوارگی و گرسنگی اند، مقبولیت بسیار بالا دارد". در آخر خود را میرا کرده و مینویسد: "من این برداشت را ندارم که بیانیه حماس و ارتش اسرائیل را همسنگ گرفته است. جوهره ی اصلی بیانیه، که برای من هم برای امضا فرستاده شد، جوهره ی انسانی و صلح عاجل برای نجات مردم غزه است."

اما بحث به این جا خاتمه نمی یابد و حرف دل رئیس دانا و کل این طیف را ناصر زرافشان رگ و پوست کنده بیان میکنند. توضیحات زرافشان در باره این بیانیه واقعا جالب و شنیدنی است. او ابتدا چنین شرح میدهد که بیانیه از جانب فردی به جمع آنها آورده شده است و چون این جمع سرگرم بحث پیرامون مساله دیگری بوده، کم دقتی شده و در نتیجه بیانیه در جمع دست به

محمد علی عموی اولین کسی است که امضایش را تکذیب میکند و میگوید من بیانیه را نخوانده بودم و از امضایم نیز خبر نداشتم! عموی در تکذیب خود چنین مینویسد: "دفاع از خلق محروم و ستمدیده فلسطین و تاکید بر حق طبیعی و شرافتمندانه آنان وظیفه ای است انسانی، اما همسنگ قراردادن رژیم وحشی اسرائیل با جنبش فلسطینی حماس خطایی است فاحش. در اعلامیه ای که از جانب شماری از فعالان سیاسی در این زمینه در سایت اخبار روز منتشر شده، با کمال تأسف چنین خطایی رخ داده است. نام من نیز، بی آنکه از متن اعلامیه اطلاع داشته باشم، در آن درج شده است. ضمن رد محتوی اعلامیه، امیدوارم دیگر عزیزی که با نظر من موافقت نیز نظرشان را اعلام کنند."

پس از آن پاسخ به تکذیبیه محمد علی عموی، فرصتی برای رئیس دانا شد تا بعنوان یکی از دست اندرکاران چنین اقدامی، گامی عقب بنشیند و گریبان خود را از زیر چنین فشاری رها کند و به مکان واقعی و اولیه خود بازگردد. رئیس دانا طی پاسخی به عموی ابتدا مسئولیت قرار دادن امضای عموی زیر بیانیه را بر عهده گرفته و توضیح میدهد که از آنجا که عموی به او مجوز داده بوده که هر جا لازم است، امضای وی را هم بگذارند، امضای او زیر این بیانیه آمده است. سپس از عموی و محسن حکیمی طلب پوزش میکند. اما جالب تر اینست که خود رئیس دانا نیز که خودش این بیانیه را امضا کرده و امضای کسان دیگری را هم زیر آن گذاشته، تغییر مسیر میدهد و از موضع بیانیه فاصله میگیرد. او نیز با

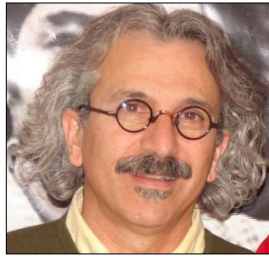
اخیرا بیانیه ای تحت عنوان "به کشتار مردم فلسطین بی درنگ پایان دهید!" در محکومیت کشتار بیرحمانه و خانمانسوز یک جنگ ارتجاعی در غزه منتشر شده است که دهها روشنفکر و نویسنده و وب لاگ نویس ایرانی زیر آن امضا گذاشته اند. این بیانیه بعد از انتشار به شکافی در میان امضا کنندگانش تبدیل شد و هم اکنون به موضوع بحث داغی در این محافل و الیت روشنفکری ایران تبدیل شده است. موضوع چیست؟

در شروع این بیانیه ضمن توضیح ماقوع و جنایتکار خواندن دولت نژادپرست اسرائیل و حملات قساوت آمیزش به مردم فلسطین، "مغفول ماندن" نقش ارتجاعی دولت حماس در شعله ور ساختن آتش این جنگ ارتجاعی مورد نقد قرار گرفته است. در آخرین بیانیه چنین خاتمه می یابد: "ما امضاکنندگان این بیانیه ضمن محکوم کردن دولت های اسرائیل و حماس خواهان پایان یافتن فوری و بی قید و شرط این جنگ ارتجاعی و خانمان سوز هستیم."

موضعگیری ای که در این بیانیه نسبت به جنگ و کشتار در غزه وجود دارد، بدرست علیه هردوسوی این جنگ و کشتار است. و همین باعث جنجال و شکاف و اختلاف در میان امضا کنندگان شده است. اینکه کسانی نامشان پای یک بیانیه قرار داده میشود و بعد از امضا متوجه میشوند که بیانیه را قبول ندارند و امضای خود را تکذیب میکنند داستان جالبی است که مناسبات کج و معوج بین فعالین طیف ملی اسلامی را برملا میکند. اما توجه برانگیزتر از آن موضع کاملا متضادی است که از خلال این تکذیبیه ها بیرون میزند.

اسلام سیاسی و جنگ اسرائیل در غزه (۱)

علی جوادی



ایجاد کمر بند سبز در قبال بلوک شرق و شوروی این جریانات هرگز قادر نمیشدند که قدرت سیاسی را در ایران در دست بگیرند. مساله فلسطین از ابتدای شکل گیری و قوام این مساله نقشی کلیدی در ایدئولوژی و سیاست این جنبش ارتجاعی داشته است. این جنبش به اعتبار وجود مساله فلسطین و سرمایه گذاری سیاسی بر این زخم دیرینه تلاش کرده است که به تلاشهای خود برای تصرف قدرت سیاسی مشروعیت و در عین حال مبنایی فراکشوری و منطقه ای دهد. پیشروی این جنبش در عین حال که در گرو بن بست ایدئولوژیک - سیاسی جریانات حکومتی پرو غربی در این جوامع است، در عین حال متاثر از وجود این زخم و کشمکش عمیق در منطقه است. ستم بر مردمی که تاریخاً تحت سرکوب سیستماتیک اسرائیل بمثابه اصلی ترین نیروی پرو آمریکایی در منطقه قرار گرفته اند، شیطان سازی از مردم ساکن این جوامع در تبلیغات و فرهنگ و ایدئولوژی غرب آن زمینه های عمومی است که به گسترش و قوام جریان اسلام سیاسی کمک کرده است. اگر مساله فلسطین وجود نداشت، اگر سرکوبگری سیستماتیک دولت اسرائیل وجود نداشت، اگر حمایت بی دریغ و همه جانبه آمریکا و غرب از اسرائیل وجود نداشت، جریان اسلام سیاسی نمیتوانست به نیرویی قابل اعتنا و مطرح تبدیل شود، نمیتوانست به نیرویی منطبقه ای تبدیل شود. نمیتوانست معادلات سیاسی در منطقه و کلا سیمای سیاسی این منطقه را اینچنین تحت تاثیر خود قرار دهد.

"راه حل" جنبش اسلام سیاسی

ستم بر مردم فلسطین اکنون به یک واقعیت خشن و بخشی از ذهنیت بشریت در دوران معاصر تبدیل شده است. سالیان سال است که نسلی از انسانها با این واقعیت زمخت زندگی کرده اند که هر از چند گاهی باید شاهد کشتار دسته جمعی و قتل عام مردمی باشند که سهم روزمره شان از زندگی سرکوب و ستم مستمر و هر از چند گاه تهاجم و بمباران از زمین و آسمان و دریا است. مساله فلسطین اکنون به یکی از مهمترین مسائل گرهی دوران ما تبدیل شده است. و کمتر نیرویی است که نسبت به این مساله و معضل تاریخی موضع گیری نکرده باشد.

این یادداشت به نقد و بررسی موضع اسلام سیاسی و حکومت اسلامی در ایران در قبال این مساله تاریخی می پردازد. به سئوالات متعددی در این زمینه باید پاسخ داد: مساله فلسطین چه نقش و جایگاهی در مبانی هویتی جنبش اسلام سیاسی و عروج این جنبش دارد؟ راه حل این جنبش در قبال این مساله کدام است؟ در بخش دوم به مسائلی دیگری از جمله نقش و جایگاه این نیروها در غامض کردن حل مساله فلسطین و تشدید تخاصمات منطقه، تاثیر حل مساله فلسطین بر موقعیت اسلام سیاسی و رژیم اسلامی و همچنین نقش سرنگونی رژیم اسلامی در حل مساله فلسطین پرداخته خواهد شد؟

مساله فلسطین و عروج اسلام سیاسی

اسلام سیاسی یک نیروی ارتجاعی دست راستی برای تصرف قدرت سیاسی در خاورمیانه و باز سازی اسلامیستی قدرت سیاسی و مناسبات سرمایه داری در این جوامع است. این یک جنبش

میکنند! مردمی را محاصره اقتصادی کرده و هر از گاهی بر سرشان میگوید. مگر نه اینکه "دشمن" خواهان نابودی موجودیت اسرائیل است!؟

مدافعین "فهییم تر" این سیاست کثیف اسلامیستی در توجیه سیاستشان بعضاً میگویند مگر نه اینکه اسرائیل یک کشور اشغالگر است؟ مگر نه اینکه که با زور و سرکوبگری توانسته است به موجودیت خود در منطقه شکل دهد؟ مگر نه اینکه تاکنون بطور سیستماتیک بر نظامیگری و میلیتاریسم موجودیتش را تضمین کرده است؟ پس برای حل ریشه ای این مساله باید اسرائیل نابود شود.

در پاسخ به این توجیحات باید تاکید کرد که کلا پروژه کشور سازی یک پروژه ناسیونالیسم معاصر است و به همین اعتبار "جنبش صهیونیسم" هم پدید و جنبش ماهیتا متفاوتی از سایر جنبش های ارتجاعی ناسیونالیستی نبوده است. اساساً از جنس همان جنبش ها است. از جنس تلاش نیروهای ارتجاعی است که اکنون خواهان شکل دادن به حکومتهای قومی و مذهبی هستند. صهیونیسم یک جنبش ارتجاعی برای شکل دادن به یک کشور قومی مذهبی یهود در منطقه خاورمیانه بود. این جنبش پیروز شد و به هدف خود دست یافت. همانطور که بسیاری از نیروهای مشابه توانستند به اهداف خود برای شکل دادن به کشور مورد نظر خود دست یابند. و واقعیت این است اسرائیل اکنون یک موجودیت غیر قابل حذف در منطقه است و مساله ما این است که مردم در این کشورها و کشورهای دیگر تحت کدام شرایط و مناسباتی زندگی میکنند؟ به چه میزان حاکم بر سرنوشت سیاسی خود هستند؟ و سیاستهای حاکم بر این جوامع چه تاثیراتی بر زندگی و شرایط عمومی منطقه دارد؟

از این رو ما خواهان برسمیت شناخته شدن کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی بر مبنای قطعنامه ۱۹۶۷ سازمان

اسلام سیاسی خواهان نابودی اسرائیل و محو این کشور از جغرافیای منطقه است. این جوهر سیاستشان است. "غده چرکین منطقه"، "به دریا ریختن اسرائیلی ها"، "نابودی اسرائیل" شعارهایی هستند که این سیاست را بطور فشرده و موجز بیان میکنند. این یک سیاست عمیقاً ارتجاعی و ضد انسانی است. ذره ای انسانگرایی در آن موجود نیست. ذره ای عدالتخواهی در آن مستتر نیست. این سیاست خواهان قربانی و نابود کردن مردمی عادی و ساکنان این جامعه است. ضدیت با مردم منتسب به یهود، یهود ستیزی، در مرکز این سیاست کور و ضد انسانی اسلامیستی قرار دارد. پایفشاری بر این سیاست تنها به معنای تداوم کشمکش و تخریب زندگی در این بخش از جامعه بشری است.

جوهر این "راه حل" اسلامیستی بر مبنای سیاست کور و انتقام و کینه توزی استوار شده است. از قرار هر جنایتی مجوزی بر جنایتی دیگر است. همانطور که سیاست سرکوبگرانه دولت اسرائیل بر این مبنا استوار است. همانطور که اسرائیل به بهانه وجود جریانات تروریستی اسلامی مردم بیگناه را وحشیانه بمباران میکند، همانطور هم جریانات اسلامیستی کشتار و قتل و نابودی مردم اسرائیل را به بهانه سرکوبگری دولت اسرائیل توجیه میکنند.

این سیاست در عین حال در دوران حاضر بیشترین بهانه ها و توجیحات را به دولت ارتجاعی اسرائیل برای تداوم سرکوبگری و آتش افروزی و کشتار مردم بیگناه در فلسطین را داده است. گویا اسرائیل "در دفاع از خود" است که این چنین از زمین و آسمان و دریا ساکنین این منطقه را بمباران

بودند و جانوران خونریزی نظیر خلخال، محمدی گیلانی، کوچوی و لاجوردی از همکاران بهشتی بحساب می آمدند. علیرضا بهشتی می تواند عباى خونین پدرش را صدها بار بشوید و یا آنرا بسوزاند ولی همین نمونه کوچکی که بیان می کند ابعاد توحش حکومت و تمام دست اندرکارانش را میرساند و یکی از بیشمار جنایاتی است که اباش جمهوری اسلامی انجام داده اند که سید محمد حسینی بهشتی هم یکی از دست اندرکاران و بانیان آن بود. و همین نمونه کافی است تا بخاطر آن جمهوری اسلامی و سران آن را بخاطر جنایت علیه بشریت به دادگاه و پای میز محاکمه کشاند. توجهات علیرضا بهشتی در تبرئه پدرش نه فقط سفاقت او بلکه نشانه ای از بی اعتبار شدن جمهوری حکومت در بین نزدیک ترین وابستگانش و پوسیدگی آن است.



شکنجه و اعدام آزادیخواهان و مخالفان جمهوری اسلامی در کردستان، ترکمن صحرا، در کارخانه ها و در دانشگاهها تحت نظارت سید محمد بهشتی آغاز شد. انقلاب فرهنگی، حمله به دانشگاهها و کشتار دانشجویان از دیگر وقایعی بود که محمد بهشتی بعنوان رئیس دیوان عالی کشور در آن نقش داشت. خاطرات محمد رضا بهشتی مربوط به روزهایی است که قتل عام زندانیان سیاسی شدت یافته بود و هزاران نفر در زندانها شکنجه و اعدام میشدند. امثال بهشتی از سازماندهندگان این جنایت عظیم

فضای سرکوب و خفقان و کشتار انکار کند. اما این چیزی نیست که بشود به آسانی آن را پنهان کرد. مردم این را بطور علنی و در کوچه و خیابان بیان می کنند، از قاتلان و غارتگران نام می برند و آنها را درون ماشین ها و قصرهای مجللشان با انگشت نشان می دهند. علیرضا بهشتی هم نظر مردم را درباره پدرش شنیده است و هزاران شاهد زنده می توانند نقش او را بعنوان رئیس دیوان عالی کشور و رئیس قوه قضائیه و چندین منصب دیگر شهادت دهند. از اولین روزهای قدرت گرفتن جمهوری اسلامی دستگیری،

یک نمونه از جنایت

بهروز مهرآبادی

میکشد. "سرحدی زاده گزارش پزشک و امتناع او از ادامه کار را به بهشتی خبر می دهد و بهشتی با صورت برافروخته میگوید: "یک نفر باید جلوی این آقا را بگیرد. تا کی ما باید رفتارهای بی ضابطه این فرد را تحمل کنیم؟ این کشمکش ادامه داشت و در آن زمان خیلی هم به ثمر نرسید، البته بعدها حکم عزل آن قاضی صادر شد" در سالهای اخیر خیلی از مقامات در وحشت از سرنگونی حکومت از جنایات رژیم اعلام برائت می کنند علیرضا بهشتی هم تلاش می کند تا برای پدرش آبرو بخرد و نقش مهم او را در ایجاد

علیرضا بهشتی در مصاحبه ای با خبرگزاری ایسنا از کرامات پدرش آیت اله سید محمد بهشتی یعنی یکی از دستیاران خمینی و از نظریه پردازان "ولایت فقیه" صحبت کرده است. از جمله از قول سرحدی زاده یعنی سرپرست زندانها در آن زمان نقل می کند که بازجویان دو جنازه را به پزشک زندان اوین تحویل می دهند، پزشک در هنگام معاینه آثار شکنجه را میبیند و متوجه میشود که یکی از آنها زنده است. پزشک زنده بودن یکی از اشخاص شکنجه و اعدام شده را اطلاع می دهد ولی "متأسفانه فردی که حاکم شرع بود شلیک می کند و او را

از صفحه ۱

جنایات اسرائیل در خدمت اسلام و ارتجاع و قهقرا!

متأسفانه دنیای ما همین است. از تروریسم دولتی غرب تا تروریسم اسلامی، از نتنیاها تا اسد تا خالد مشعل تا خامنه ای و تا اوپاما و پوتین همه و همه سر و ته یک کرباس اند. در عین حال اما نباید فراموش کرد آنچه پیش چشمان ما جریان دارد در واقع پروسه تجزیه شدن یک جسد است. در پایه ای ترین سطح این سرمایه داری زمان ما و سیستم سیاسی آنست که برای بقا و بودن، نیاز به اینهمه ارتجاع و کشتار و قهقرا و تعفن دارد. در پایه ای ترین سطح اسرائیل و امثال نتنیاها با کشتار هولناک مردم فلسطین دارند از زبان بورژوازی عصر ما سخن میگوید. دارند به تک تک ما میگویند: همین است که می بینید! ما میزیم و میکشیم و زور میگوییم و هیچ میزان و ملاک و قاعده ای را هم در نظر

را به درد آورده است، فقط بخاطر وجه انسانی و کشت و کشتارهای وحشیانه آن نیست که چنین همه ما را آزار میدهد و به دهشت فرو میبرد. این فقط نمک ریختن بر زخم مظلومیت تاریخی مردم فلسطین نیست که روح و تن بشر امروز را چنین شکنجه میدهد. بلکه جنایات اسرائیل دارد به تمام جهان گند میزند. یا صحیح تر کند و تعفن آنرا به سطح می آورد و جلوی چشم و دماغ همه میگیرد. اگر بتوان دل خود را خوش کرد که داعش و اسد و خامنه ای و حزب الله و حماس مشتی وحشی های اسلامی و جهانسومی هستند و دنیای امروز را نمایندگی نمی کنند، در مورد اسرائیل و آمریکا و دول فحیمه غرب که نمایندگان بالاترین حد تمدن امروز دنیا هستند نمی توان چنین خوش خیالی به خرج داد.

خاورمیانه محدود نیست. جنایات دولت اسرائیل نه فقط در خدمت توجیه اسلامیت ها بلکه همه مرتجعین عالم است. امثال پوتین هم با دیدن رفتار اسرائیل علیه مردم غزه و توجیهات مسخره مدیا و سیاستمداران غرب از این جنایات، قطعاً برای رفتارهای مشابه خود چه در روسیه و چه در قبال کشورهای همسایه آن، احساس مشروعیت و اعتماد به نفس میکنند. در همان اروپای غربی نیز نظامیگری زمخت و ضد بشری نتنیاها و وقاحت دستی راستی های اسرائیل در کشتار و تحقیر مردم فلسطین، منشاء الهام و منبع احساس قدرت برای تمام احزاب فاشیستی و راسیستی و دست راستی است که آراء شان این روزها رویه افزایش است. خلاصه کلام اینکه جنایات اسرائیل در غزه که دل همه جهان

موجود است که ما را به اینجا رسانده است. حتی برای نجات این حضرات هم باید وضع موجود را تماماً زیر و رو کرد. باید کارگران و مردم آزاده سراسر جهان علیه این دنیای جانیان و تروریست ها متحد شوند. باید این دنیا را از دست نتنیاها و خامنه ای ها و پوتین ها و اوپاما ها درآورد و اختیار را به انسان برگرداند. این ایده ساده و قدیمی اینروزها بیش از پیش ضرورتش در مقابل ما قرار گرفته است.*

نمی گیریم. می خواهید با همین بسازید و نمی خواهید هم مجبورید که سر کنید. ما جنایت می کنیم پس هستیم! میدانم که در بین بورژواها هم هستند بسیاری که می فهمند این یک بن بست است. آنها نیز می دانند که کل سیستم شان دارد می گندد و جهان را به قهقرا می برد. خیلی ها هم در پی اصلاح و تغییر آن هستند و میکوشند اوضاع را درست کنند. اما درست همین تلاش های برای حفظ وضع

تلفن تماس با حزب در خارج کشور

اصغر کریمی، دبیر هیئت اجرایی حزب
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

فریبرز پویا، دبیر کمیته خارج کشور
۰۰۴۴۷۷۸۶۱۰۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

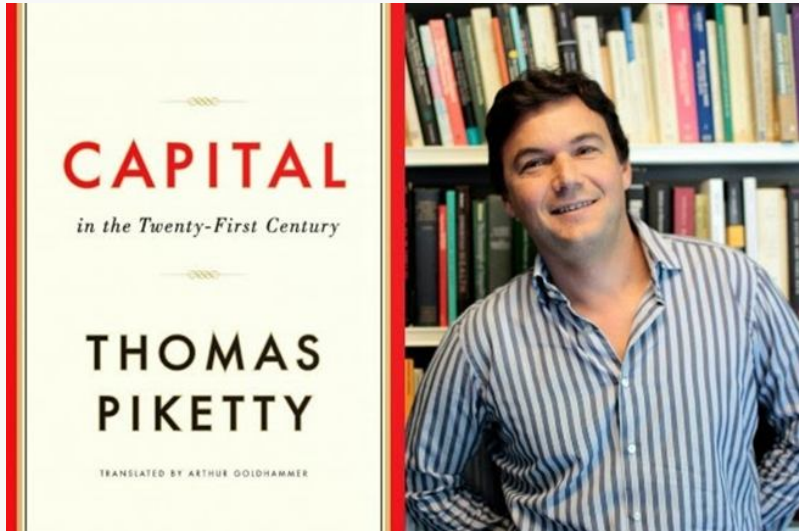
شهلا دانشفر، دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden

انجمن مارکس کانادا برگزار میکند:

بازگشت به نقطه صفر



"سرمایه در قرن بیست و یکم"

نگاهی به کتاب جنجالی توماس پیکتی

سخنران: مصطفی صابر

نشریه اکونومیست او را "مارکس قرن بیست و یکم" خوانده است! کتاب حجیم او بلافاصله پس از انتشار به زبان انگلیسی در بهار امسال، به صدر پرفروش ها رفت و مباحث داغی را بین مخالفین و موافقین، چه در چپ و چه در راست و در میدیای رسمی و اجتماعی برانگیخته است... نگرانی و هشدار توماس پیکتی در باره "افزایش سرسام آور نابرابری در سرمایه داری معاصر" از کجاست؟ توضیح و راه حل او کدام است؟ نقد و ارزیابی مارکسیستی بر مباحث او چیست؟... از شما دعوت میکنیم همراه ما شوید تا به سوالاتی از این دست پردازیم.

زمان: شنبه ۱۶ آگوست ۲۰۱۴ ساعت ۱:۳۰ بعدازظهر

مکان: نورث یورک سیویک سنتر / اتاق شماره ۳

شماره تماس: ۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

North York civic center 5100 /Yonge Street / Committee room #3

انجمن مارکس کانادا

در جهت خاک پاشیدن بر روی این حقیقت و همسویی با سیاست جمهوری اسلامی است. بیانیه «به کشتار مردم فلسطین بی درنگ پایان دهید!» مغفول ماندن نقش ارتجاعی دولت حماس در شعله ور ساختن آتش این جنگ ارتجاعی را به نقد کشیده است و بحث هایی که پیرامون این بیانیه به پا شده از جمله گفته های رئیس دانا، عمومی، ناصر زرافشان و ... تاکیدی بر صحت و واقعی بودن نقد این بیانیه است.

آخرین کلام اینکه دور جدید جنگ در غزه، جنگ بین نیروهای اسلامی و دولت اسرائیل، جنگی ارتجاعی و در مقابل توده مردم زجر کشیده فلسطین است. این جنگی خانمانسوز است و باید فوراً خاتمه یابد. اولین گام واقعی در جهت رهائی مردم فلسطین راه حل دو دولت، یعنی برسمیت شناختن دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی در نوار غزه و کرانه غربی از سوی دولت اسرائیل است.

این گفتمان ها را باید همگانی و جهانی کرد.*

اسرائیلی را هدف جنگی اعلام میکنند و بهانه به دولت اسرائیل و دست راستی های اسرائیلی میدهند، نیز محکوم مینمایند. اینکه حماس عملاً نمیتواند در حد اسرائیل از زن و مرد و کودک اسرائیلی کشتار کند، هیچ حقانیتی به آن نمیدهد. اینها مدام دارند نابودی کل کشور اسرائیل را همصدا با سران جمهوری اسلامی فریاد میزنند. آیا همین برای محکوم کردن حماس و کل جبهه ارتجاع اسلامی کافی نیست؟ مردم فلسطین همانگونه که مانیفست جوانان غزه چند سال پیش بیان کرد امنیت و آزادی و زندگی انسانی میخواهند، نه نابودی کودکان و مردم بی گناه طرف مقابل را.

به عبارت روشنتر حماس و نیروهای اسلامی متحدش، حزب الله و جمهوری اسلامی، مانعی عمده بر سر راه حل مساله فلسطین هستند. از همین رو یک گام موثر در جهت راه حلی انسانی برای مساله فلسطین تضعیف و حاشیه ای شدن و نهایتاً جمع شدن بساط این نیروها در منطقه است. تکذیبه عمومی و توضیحات رئیس دانا و نوشته ناصر زرافشان

اسلام سیاسی و جنگ اسرائیل در غزه

ملل پایان دهد. این تنها راه حل انسانی و آزادیخواهانه این معضل دیرینه است. اسلام سیاسی تنها نیرویی برای تشدید تخاصم در منطقه و تعمیق شکافهای قومی و مذهبی و نژادی است!

در ادامه به تاثیرات متقابل حل مساله فلسطین و زوال جنبش اسلام سیاسی و سرنگونی رژیم اسلامی پرداخته میشود.*

ملل در کنار کشور اسرائیل هستیم. از این رو خواهان اعمال بیشترین فشار سیاسی بر اسرائیل و متحدین اصلی آن یعنی آمریکا و کشورهای غربی هستیم. باید اسرائیل را وادار کرد که کشور مستقل فلسطینی را برسمیت بشناسد. باید اسرائیل را وادار کرد که به محاصره اقتصادی سرزمینهای فلسطینی پایان دهد. به اشغال سرزمینهای فلسطینی بر مبنای قطعنامه ۲۴۲ سازمان

۶۲۷۳۰ دلار به همت شما جمع آوری شد

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

آلمان:

Germany

Rosa Mai

5836575 Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

Dixie Rd, Mississauga 4900

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G street Blaine, Wa 98230

phone# 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 41581083

checking (99)

wire: ABA routing #026009593

swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر

کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

NWBK GB 2L BIC:

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس

بگیرید:

سیامک بهاری: 0046739868051

markazi.wpi@gmail.com

دوستان ناصر ۵۰ یورو

حمید رحیم پور ۱۰۰ یورو

جمیل فرزاد ۲۰۰۰ کرون

جیمی از دارمشتاد ۵۰ یورو

مهنوش از ایران ۲۰ یورو

آکام محمد ۳۰ یورو

رسولی ۵۰۰ دلار

آوا ۵۰ دلار

آرمانی ۵۰ دلار

اقبال نظرگاهی ۹۰ دلار

پروین جبارزاده ۵۰۰ کرون

رضا مرادی ۵۰ پوند

مرسده قائدی ۳۰ پوند

سپروان قادری ۳۰ پوند

فریبرز پویا ۵۰ پوند

مینو فتاحی ۶۰ پوند

دهد و به کمپین های سیاسی

خود شدت بدهد و همه اینها به

منابع مالی بسیار بیشتری نیاز

دارد. فراخوان ما برای تداوم

کمک مالی به حزب و کانال جدید

به همه مردمی که خود را در

اهداف و ایده آل های انسانی

حزب شریک میدانند همچنان به

قوت خود باقی است. حزب و

تلویزیون کانال جدید شما را به

تداوم کمک مالی برای گسترش

فعالیت های خود فرامیخوانند.

لیست هشت

ارسلان نادری ۱۰۰۰ کرون

رضا فتحی و آوات فرخی ۵۰۰

کرون

مینا مینائی و آرش دشتی ۳۰

یورو

در پاسخ به کمپین مالی صد هزار

دلاری حزب و کانال جدید که از

ابتدای ماه ژوئن شروع شده بود،

به همت بیش از ۲۰۰ نفر از

دوستان حزب و کانال جدید مبلغ

۶۲۷۳۰ دلار جمع آوری شد. جا

دارد که یکبار دیگر صمیمانه از

همه شما عزیزانی که به این

فراخوان پاسخ دادید قدردانی

کنیم و دست تک تک تان را به

گرمی بفشاریم.

حزب کمونیست کارگری

حزب آمال و آرزوهای انسانی

میلیونها نفر از مردم شریفی

است که رفاه، برابری، آزادی و

شادی و کرامت انسانی را حق بی

چون و چرای خود میدانند. حزب

باید فعالیتش را گسترش دهد،

امکانات رسانه ای خود را بهبود

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه

کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

اعتصابات و اعتراضات کارگری بی وقفه ادامه دارد

شدند.

کارگران فاز ۱ تا ۷ منطقه

پارس جنوبی

روز ۳۰ تیرماه کارگران پیمانی شاغل در فازهای ۱ تا ۷ منطقه پارس جنوبی در اعتراض به عدم پرداخت ۱۴ ماه مطالبات معوقه خود برای دومین بار دست به تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان اداره روابط اداره کار منطقه ویژه پارس (عسلویه) زدند.

اعتصاب و تجمعات مکرر کارگران

البرز شرقی

کارگران معدن ذغال سنگ البرز شرقی (واقع در منطقه طرزه استان سمنان) روز ۳۰ تیرماه برای پنجمین بار در یکماه گذشته دست به اعتصاب زدند و به خصوصی سازی معدن اعتراض کردند.

اعتصاب کارگران فولاد آذربایجان

کارگران شرکت فولاد آذربایجان بعد از مراجعه به محل کارشان، در حیاط شرکت دست به تجمع اعتراضی زده و خواهان رسیدگی به وضعیت فروش این کارخانه به بخش خصوصی شده اند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان

فولاد اصفهان

بیش از ۱۰۰ نفر از بازنشستگان صنعت فولاد اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق خود دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان زدند و خواهان پرداخت فوری دو ماه حقوق خود شدند. بازنشستگان همچنین خواهان برقراری نظم در پرداخت مستمری ماهانه خود

در روزهای اول مرداد ماه کارگران بسیاری از مراکز کارگری دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زدند. اینجا گزارش برخی از این اعتراضات را میخوانید:

کارگران کشت و صنعت هفت تپه

جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم دریافت یک ماه ونیم حقوق، صبح روز ۶ مرداد دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. کارگران خواهان دریافت فوری حقوق خود در ماههای خرداد و تیر هستند.

کارگران کارخانه کشتی سازی صدرا

روزهای ۴ و ۵ مرداد صدها نفر از کارگران کشتی سازی در جزیره صنعتی صدرا در بوشهر دست به تجمع اعتراضی زدند و ورودی جزیره را مسدود کردند. کارگران از ابتدای سال جاری تاکنون حقوقی دریافت نکرده اند. تجمع کنندگان از تردد سایر پرسنل و حتی کارفرمایان به جزیره جلوگیری کرده اند و علی رغم مداخله نیروی انتظامی، تجمع کارگران ساعتها ادامه یافت.

اعتصاب کارگران واحد پلیمری در مجتمع

پتروشیمی بندرامام

روز ۵ مرداد کارگران واحد پلیمری در مجتمع پتروشیمی بندرامام متحدانه دست به اعتصاب زدند و خواهان دریافت فوری پاداش های خود شدند. کارفرما بعد از سه ماه از کار کارگران، تنها حدود یک چهارم از مبلغ توافق شده را پرداخت کرده است. کارگران اعلام کرده اند تا دستیابی به خواست شان همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

کارگران شرکت ریسندگی پریس

در سنندج

اعتصاب کارگران شرکت پریس در سنندج که از روز ۳۱ تیرماه شروع شده بود حداقل به مدت شش روز ادامه یافت. حقوق کارگران از اول سال تا کنون و عیدی و پاداش سال ۹۱ و ۹۲ تاکنون پرداخت نشده است

تجمع کارگران شرکت سهند آذر

در سنندج

کارگران اخراجی شرکت سهند آذر سنندج دست به اعتصاب زده و همزمان در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران مترو در تهران

جمعی از کارگران متروی تهران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود توسط یکی از شرکت های طرف قرارداد با متروی تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

ادامه تجمعات اعتراضی کارگران

در عسلویه

بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران در منطقه ویژه پارس جنوبی (عسلویه) که ۱۴ ماه معوقات مزدی دارند بارها دست به تجمع اعتراضی زده و خواهان پرداخت فوری طلب های خود شدند.

اعتصاب کارگران شرکت عالی ریس یزد

کارگران عالی ریس یزد در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق خود روز ۲ مرداد دست به اعتصاب زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ مرداد ۱۳۹۳، ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۴



راهپیمایی تعدادی از کارگران اتحادیه ساختمانی و کشتیرانی در سیدنی در حمایت از کارزار دوم اوت و در همبستگی با رضا شهابی و کارگران زندانی

کارگران شعار "رضا شهابی را آزاد کنید"، "کارگران ایران را آزاد کنید" را سر دادند



را محکوم نماید و هر انسانی باید دولت تونی ابد را محکوم نماید. ما کارگران کشتیرانی، ما کارگران ساختمانی، و هر انسان شریف دیگر در جامعه باید در برابر این سبعیت در قبال کارگران زن و مردی که فقط زندگی بهتری را مطالبه می کنند، اعتراض کند. هر انسانی در این دنیا شایسته یک زندگی خوب است. این رفقای کارگر ایرانی نه کمتر از این می خواهند و نه بیشتر."

سخنران اتحادیه کشتیرانی سپس با تأکیدی دوباره بر ضرورت همبستگی با کارگران زندانی در ایران گفت: "ما باید از کارگران ایران پشتیبانی کنیم. ما باید حمایت خود را از سیدنی در استرالیا به آنان اعلام کنیم و اطمینان دهیم که این سبعیت در قبال کارگران را نمی پذیریم و باید پایان پذیرد. فدراسیون سراسری کارگران حمل و نقل

قائل بودن ارزش و احترام انسانی برای آنان بشوم."

پس از او سخنران دوم از طرف اتحادیه کشتیرانی چنین گفت: "این وضعیت که در ایران رضا شهابی مجبور است برای ابراز درد خودش، برای اجرای عدالت در زندان به اعتصاب غذا دست زند و گرسنگی را تحمل کند تا به عدالت برسد، جای شرم است. "شرم، شرم، شرم!" او اعلام داشت که اتحادیه کشتیرانی و فدراسیون سراسری کارگران حمل و نقل پشت سر چنین کارگرانی هست که در زندان تا حد مرگ گرسنگی را تحمل می کنند تا ثابت کنند که کارگران شایسته یک زندگی خوب و انسانی هستند.

هر انسانی امروز باید آنچه که الان در ایران می گذرد را محکوم نماید. هر انسانی باید امروز آنچه در نوار غزه می گذرد

و شعار گویان دست به راهپیمایی زدند. در این راهپیمایی پرشور شعارهای "رضا شهابی را آزاد کنید"، "کارگران ایرانی را آزاد کنید" در خیابانها طنین انداخت. راهپیمایی کارگران توجه مردم در محل را به خود جلب کرده بود. در انتهای این راهپیمایی در محل سالن شهرداری از سوی ارسلان ناظری و فعالین کارگری شرکت کننده در تظاهرات سخنرانی هایی در همبستگی با کارگران زندانی صورت گرفت. ارسلان ناظری به عنوان سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی در استرالیا سخنانش را شروع کرد و با تأکید بر محرومیت کارگران ایران از حق تشکل، حق اعتصاب و در اعتراض به سرکوبگری های رژیم اسلامی، به مبارزات هر روزه کارگران در ایران برای متشکل شدن و برای خواسته های برحقشان اشاره کرد. او گفت: "مادام که از حمایت اتحادیه حرف می زنیم، بگذارید یک خبر با شکوهی را به شما بدهم و آن این است که به دنبال تماس من، هیئت اجرایی واحد سراسری اتحادیه کارگران مونتاز مصوبه ای بتصویب رساند و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شد. من از تمام اتحادیه ها

روز ۲۹ ژوئیه ارسلان ناظری عضو کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران و نماینده کمپین برای آزادی کارگران زندانی در استرالیا سازمانده تجمعی اعتراضی در حمایت از کارگران زندانی در ایران بود. این تجمع در پاسخ به فراخوان به اعتراضی سراسری از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و در حمایت از سه تن از رهبران کارگری زندانی رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی و همه کارگران زندانی، برپا شده بود. گزارش ارسلان ناظری از این تظاهرات پرشور و به یاد ماندنی را در زیر میخوانید:

فعالین کارگری دو اتحادیه کارگری کشتیرانی و ساختمانی، از حمایت کنندگان این کمپین و این روز اعتراضی بودند. در این تظاهرات دهها نفر از کارگران کشتیرانی و ساختمانی واحد سیدنی استرالیا به همراه فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی شرکت داشتند. تظاهرات از ساعت ۱ بعد از ظهر از محل ساختمانی اتحادیه کشتیرانی شروع شد و تظاهرات کنندگان با حرکت به سمت سالن شهرداری محله تان هال و با در دست داشتن پوسترهای کارگران زندانی



عکس رضا شهابی و شاهرخ زمانی بر سر در سفارت رژیم اسلامی در لندن



روز ۲ اوت بعنوان اقدامی اضطراری در حمایت از سه کارگر زندانی رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی داده شده است، تاکید شد و اطلاعیه های آن پخش شد در این تظاهرات فضای گرم و حس همبستگی قوی در حمایت از کارگران ایران بسیار دلگرم کننده بود. عکس های تظاهرات روز ۲۵ ژوئیه فضایی به روشنی این فضا را به نمایش میگذارد. عکس ها ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران
زندانی
۴ مرداد ۱۳۹۳
۲۶ ژوئیه ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-

now.blogspot.com
http://www.workersliberty.org/event/2014/07/03/free-shahrokh-zamani-demonstration

روز جمعه ۳ مرداد، ۲۵ ژوئیه به فراخوان ورکرز لیبریتی (Workers' Liberty) در لندن در حمایت از شاهرخ زمانی و رضا شهابی از رهبران شناخته شده کارگری و کارگران در بند در ایران، تظاهراتی در مقابل سفارت رژیم اسلامی در لندن برگزار شد. فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) و نیروهای سیاسی دیگر در این آکسیون شرکت کردند.

شرکت کنندگان در این تظاهرات با در دست داشتن عکس های کارگران زندانی، شعار کارگر زندانی، زندانی

از صفحه ۸

راهپیمایی تعدادی از کارگران اتحادیه ساختمانی و کشتیرانی در سیدنی

مرکب از ۶۷۰ اتحادیه و ۶ میلیون کارگر مسئولیت دارد که خواهان آزادی فوری این کارگران ایرانی شود. اگر این کارگران آزاد نشوند ما دست به اقدام اعتراضی دیگری خواهیم زد. ما اینجا در مورد چند تا کارگر از یک محل کار حرف نمی زنیم. ما از ۶ میلیون کارگر حرف می زنیم که می گویند دیگه بس است و این چپاول و سرکوب را خاتمه دهید. دست از سر کارگران ایران بکشید. کارگران در سراسر دنیا باید از این کارگران و خواستههایشان حمایت کنند.

حرف ما کارگران اتحادیه کشتیرانی اینست که تا آخرش هستیم. او سپس با سر دادن شعار "کارگران ایرانی را آزاد کنید" ادامه داد و گفت: "تا زمانی که این کارگران در زندان گرسنگی را تحمل می کنند و تا

مجبورند برای دفاع از حق خود در زندان به اعتصاب غذا متوسل شوند."

او در ادامه سخنانش گفت: "همانطور که دوستان اتحادیه ها گفتند دولت تونی ابد هم می خواهد که اتحادیه ها را سرکوب کند و به کل جامعه و مردم فشار وارد کند. برای مبارزه با این وضعیت باید مبارزه مان را با مبارزات بین المللی ربط دهیم. برای اینکه اگر ما پیروز شویم آنها پیروز می شوند. آنها پیروز شوند ما پیروز می شویم." و بالاخره یکی از شرکت

کنندگان در دفاع از کارگران ایران سخنرانی کرد.

در محل این تظاهرات میز اطلاعاتی ای از طرف فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی برپا شده بود و در آن عکس هایی از کارگران زندانی و اطلاعیه های این کمپین در مورد وضعیت کارگران در بند گذاشته شده بود. همچنین این اطلاعیه ها در میان مردم حاضر در محل توزیع شد و تعداد قابل توجهی از مردم حاضر در محل طومار اعتراضی در حمایت از کارگران زندانی را امضا کردند. تظاهرات و راهپیمایی و

سخنرانی های پرشور در حمایت از کارگران زندانی در سیدنی یک نمونه جالب از همبستگی با کارگران زندانی در ایران بود. زنده باد همبستگی جهانی کارگری

ارسلان ناظری
کمپین برای آزادی کارگران
زندانی
۹ مرداد ۱۳۹۳

۳۱ ژوئیه ۲۰۱۴
Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com



ژورنال روزانه را بخوانید!

ژورنال همه روزه بجز جمعه ها منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

جناب میمندی در خانه شیشه ای نشسته اید و سنگ بسوی دیگران پرتاب میکنید!



شارمین میمندی از هم دانشکده ای های شعله پاکروان مادر ریحانه جباری بوده، یکبارہ سر و کله ایشان و انجمن امام علی اش در پرونده ریحانه جباری پیدا شد. ایشان ظاهرا هنرمند تشریف دارند و در این مورد هنرشان ماستمالی کردن کل صورت مسئله است!

اسم او را البته قبلا شنیده بودم، در پرونده هایی از محکومین به اعدام زیر ۱۸ سال و یا محکومین به اعدام "عادی" که در جریان يك درگیری و یا دعوای معمولی دست به چاقو برده و متاسفانه باعث مرگ يك نفر شده بودند. در این موارد ایشان و انجمنی که جناب میمندی از مسئولین و یا تنها تصمیم گیرنده آن هستند، به چشم میخورد. "انجمن امام علی!"

در کشوری که حکومتش به اسم علی و پیغمبر و اسلام، حاکمیت میکند و اعدام را قصاص نام می نهد و بر اساس قوانین اسلامی میکشد و جنایت میکند، اسم يك انجمن مثلا حقوق بشری به اسم امام علی در نگاه اول عجیب است و ما که از بطن تولد این حکومت نامیمون اسلامی پشت و روی اینها را می شناسیم و سی و پنج سال است که لحظه به لحظه و در پستوهایشان نیز تعقیب اشان

میکنیم طبعاً این انجمن را با دقت زیر ذره بین گذاشتیم تا ببینیم اینها چه کسانی هستند و چه میگویند و چه میکنند و مهمتر از همه سرشان به کجا بند است.

تا زمانی که در جریان کمک به نجات چند محکوم به ایران اینها هم خود را وارد جریان دفاع از محکوم به اعدام کرده و یا حتی فعالیتی کردند، ما را به آنها کاری نبود جز اینکه اقدام برای نجات افراد را از سوی هر نهاد و انجمن و "امام علی ای" را مثبت ارزیابی میکردیم و مشغول کارمان بودیم.

در چشم ما انجمنی با نامی عجیب که کودک کار را به "طفلان مسلم" تغییر نام میداد و قربانیان يك حکومت دزد و چپاولگر یعنی کودکان خیابانی و یا زنان فقیر و در مانده را که بدلیل وجود يك حکومت "اسلامی" امکان کار بیرون از خانه را ندارند و پول و ثروتشان در دست آخوند و خامنه ای و احمدی نژاد و روحانی و رفسنجانی و آقا زاده ها و خانم زاده های آنان هست، به صف کرده و نانی برایشان جمع میکند و با برنامه های آن چنانی مملو از پز و افاده و صد البته تعریف و تمجید از جناب میمندی نژاد، به این فقرا کمک رسانی میکند، باز کمی چندش آور بود. این

برنامه ها وقتی مشتمل کننده شد که هنرمند "عزیز" ما در این برنامه های "صله ارحام اش" از وزیر و جلال حکومت اسلامی دعوت میکرد و با دبدبه و کیکبه آنها را نیز به عنوان ناجی کودکان فقر و مادران درمانده معرفی میکرد و آب پاکی روی حکومت دزد و جنایتکار و سرکوبگر اسلامی می ریخت! شغل شریف این هنرمند ایرانشناس اینست که آب پاکی روی حکومت اسلامی بریزد و در مورد کمپین ریحانه نیز تقلا کرده و میکند که چنین کند!!!

تو گویی این انجمن "امام علی" يك نهاد غیر دولتی در آلمان است که برای بهبود وضع زنان با کمک وزیر و دست اندرکار حکومتی همایش های آن چنانی ترتیب میدهد. تازه بماند که در اینجا نیز چنین نمایش هایی با اعتراض و انتقاد روبرو میشود.

نکته اصلی همین است که در جمهوری اسلامی ایران سازمان غیر دولتی که حتی يك میلیمتر زاویه به جنایتکاران و دزدان حاکم داشته باشد کارش همواره زار است و با مشکلات فراوان میتواند کمک جمع کند و همواره زیر ذره بین برادران سپاه و وزارت اطلاعات و بازجوهای اوین و خود زندان اوین است و همه میدانند و می بینند که این انجمن غیر دولتی که افتخار هم

میکند که در سازمان ملل جایی برای خود دست و پا کرده است، در وهله اول يك سوال بزرگ بر بالای سرش قرار دارد، سر اینها به کجا وصل است؟

با وجود این سوال مشروع که به گوش جناب میمندی هم رسیده، ما مشغول کارمان بودیم و آنها هم مشغول کار خودشان! يك کمپین برای نجات ریحانه جباری در ایران از سوی ما چهار نفر اعلام شد. نازنین افشین جم، شادی پاوه، شبنم اسداللهی و من مینا احدی!

سرگذشت دردناک ریحانه را من از هفت سال پیش از طریق عموی ریحانه که ساکن برلین است، شنیدم. بعد از اتمام يك سخنرانی من در برلین، در گوشه ای از سالن يك نفر خواست تنها با من صحبت کند و من به ایشان گفتم برای اعلام کمپین ما احتیاج به يك عکس و همچنین اجازه والدین و یا افراد خانواده ریحانه داریم. و ظاهراً خانواده ریحانه ترجیح دادند در خفا و در چهارچوب امکانات قانونی در ایران فرزند دلبندها را نجات دهند.

سوال دو دو تا چهار تا است؟
ریحانه دختر ۱۹ ساله ای بود که اتفاقی وارد يك ماجرا شده بود. او با یکی از همکاران قبلی وزارت اطلاعات رژیم اسلامی

بدون اینکه بداند وارد يك رابطه کاری شده بود و معلوم نیست چگونه يك فرد به اسم شیخی در لحظه ای که سربندی قصد تجاوز به ریحانه را داشته، از راه میرسد و نقش این فرد و یا افراد دیگر در قتل سربندی در هفت سال قبل چیست.

موضوع این قتل و اسناد و مدارک و نقش افراد در این قتل هنوز بررسی نشده است، این امروز به یمن يك کمپین برای نجات ریحانه برای میلیونها نفر روشن شده است!

در يك روز سیاه و وحشتناک در يك خانه ای در تهران مردی به اسم سربندی به قتل میرسد و سرنوشت يك زن جوان و يك خانواده با این واقعه زیر و رو میشود.

اگر ایران يك کشور عادی بود، اگر حکومت اسلامی نرمال بود و سیستم قضاوت در ایران عادی بود، ریحانه را میگرفتند و به این قتل طبعاً رسیدگی میکردند. اما چگونه؟ اسناد و مدارک را بررسی میکردند، گزارش پزشکی قانونی را مینا قرار میدادند و حرفهای ریحانه و دیگرانی که شاهد فرار سربندی از خانه و آخرین حرفهایش بودند و... را مبنای قضاوت و بررسی قرار میدادند.

معلوم است که باید روشن

جناب میمندی در خانه شیشه ای نشسته اید و سنگ بسوی دیگران پرتاب میکنید!

بشود چرا يك انسان به قتل رسیده و معلوم است که باید خانواده سریندی بدانند اصل موضوع چیست؟

ریحانه را میگیرند و در زندان زیر نظر مستقیم مامورین وزارت اطلاعات و حتی نمایندگان از دفتر رهبری یعنی خامنه ای، به پرونده اش رسیدگی میکنند. سوال اینست چگونه رسیدگی میکنند؟

با کتک، شلاق زدن، قیانی کردن، ترساندن و رفتارهای بیشرمانه و وحشیانه با يك نوجوان شکننده، چرا؟ از او چه میخواهند؟ این سوال را هم جناب میمندی نژاد که همیشه میکوشد روی همه چیز خاک بپاشد و همه را به درگاه خانواده سریندی برده و سرشان را به زمین بسابد و در نهایت بگوید نشد هر چه کردیم نشد و ریحانه را به طناب دار بسپارد، پاسخ دهد، از ریحانه چه میخواستند؟

از او خواسته اند هر چه جلادان و شکنجه گران وزارت اطلاعات میخواهند بنویسد و بگوید. در دادگاه حرفهای اینها را تکرار کند و ریحانه تا حدودی تن به این کار میدهد. چرا که او را تهدید کرده بودند که خواهرش را نیز به همان زندانی میکشانند که او را آورده اند و همان بلایی را سر خواهر کوچکش می آورند که با او کرده اند. و معلوم است که ریحانه تن میدهد و علیه خود در دادگاه حرف میزند.

در يك دادگاه کذایی که تصمیمات از قبل گرفته شده مثل همه دادگاههای حکومت اسلامی، ریحانه را به اعدام محکوم میکنند.

خانواده ریحانه هر دوندگی را که ميتوانستند انجام میدهند این پرونده اما سرش به بیت رهبری و مقامات بالای وزارت اطلاعات و دستگاههای مخوف

حکومتی بند است و هیچ دوندگی به نتیجه نمیرسد. اینرا می فهمید؟

گره کور باز نمیشود. هفت سال دوندگی و ساکت بودن و خون دل خوردن به جایی نمیرسد. ریحانه را آماده اعدام کردن میکنند. چرا که نظام به يك قاتل نیاز دارد که سر او را به طناب دار بسپارد و سپس قضیه را فیصله یافته تلقی کنند و دنبال کارشان بروند. از این اتفاقات در ایران روزمره پیش می آید همه چیز فدای نظام با استفاده از قران و اسلام و شریعه، این کنه حکومت اسلامی ایران است!

خانواده درمانده ریحانه، راهی ندارند جز اینکه در مورد این فاجعه بزرگ با دیگران حرف بزنند و دیگرانی که این داستان را می شنوند، دوستان، همکاران و همه انسانهایی که قلبی در سینه و وجدانی دارند، شروع میکنند به سوال کردن و بررسی کردن این پرونده و در نهایت میلیونها نفر به نفع ریحانه حرف میزنند، حداقل ۲۰۰ هزار نفر يك طومار را امضا میکنند که ریحانه را نباید اعدام کنید!

هنرمندان زیادی در این مورد حرف میزنند و عکس و سرگذشت ریحانه جهانی میشود. بهمین دلیل حکومت اسلامی ایران از امکانات و ظرفیت هایش استفاده میکند که این بحران را بخواباند، این موج را از سر بگذرانند و ظاهرا در اینجا قهرمان پوشالی ما نیز وارد میشود تا در بارگاه بزرگانش نشان دهد که ایشان هم پهلوان پنبه ای است که ميتوانند با کج کردن جهت مبارزات و با جا خالی دادن و در عین حال لجن پراکنی بسوی فراخوان دهندگان کمپین نجات ریحانه، خدمتی به بیت رهبری و دیگران بکنند . این يك نبرد برای نجات يك

کرده اید، ولی کنه ماجرا را بیان میکند. شاید هم بهمین دلیل حساس شده اید.

دو سیاست دو روش، راه نجات ریحانه کدام است؟

در يك نبرد برای لغو حکم اعدام ریحانه ، دو سیاست در حال کشمکش هستند. سیاستی که میگوید آرام باشید، در مورد پرونده حرف نزنید، راه بررسی مجدد پرونده بسته شده است و تنها راه دعا کردن و التماس از خانواده مقتول است.

ما در روزهایی و لحظاتی هیچ ن گفتیم تا حداقل خانواده ریحانه ببینند که این راه که شما آنرا تبلیغ میکنید به نفع پستوهای وزارت اطلاعات و شکنجه گران و جلادان است.

سوال اینست چه کسی گفته که راه بررسی مجدد پرونده بسته شده است؟ همان دادگاه و تر دست و همکاران و دوستان آنها که خودشان موضوع مورد مشاجره هستند؟

حکومت اسلامی و دست اندرکاران و سخنگوی قوه قضاییه و آملی لاریجانی میگویند راه بررسی مجدد پرونده بسته شده است. در پرونده ای که افکار عمومی حساسیت دارد و هزار ابهام روی آن هست و دختری جوان را با قیانی کردن مجبور به اعتراف کرده اند، باید این به اصطلاح مسئولین قوه قضاییه در مقابل مردم بگویند که چرا کماکان از نتیجه این دادگاه کذایی اشان دفاع میکنند.

شما چکاره هستید که این وسط وارد شده و اعلام میکنید مقامات گفته اند که امکان بررسی پرونده نیست پس امکان نیست و باید رفت دم در خانواده سریندی التماس کرد و به حرفها و وعده های دروغ و تو خالی شما اطمینان کرد.

ما میگوییم همین مقامات بارها اگر فشار افکار عمومی بوده و اگر دنیا حرکت کرده و از يك فرد محکوم به اعدام و یا سنگسار در ایران دفاع کرده، حرفشان را عوض کرده و کار دیگری کرده اند. دادگاهی که هیچ چیز را بررسی نکرده و بر

اساس منافع نظام و زن ستیزی يك پاسدار پیر و کریه به اسم قاضی تر دست حکم اعدام داده، باید این حکم را پس بگیرد.

اینجا صحبت بر سر زندگی و مرگ يك جوان است.

سخنی خطاب به مدافعین ریحانه!

ما عزم جزم کرده ایم ریحانه را نجات دهیم. تا همین جا اگر تعدادی خود را قاطعی کرده و حتی تعدادی به دنبال شهرت و محبوبیت هستند، نشان دهنده موفقیت کمپین ما است. کمپینی انسانی برای نجات جان محکومین به اعدام در ایران که با سمپاتی و حمایت میلیونی روبرو است. در این کمپین ، جمهوری اسلامی ایران تقلا میکند کمپین را به شکست بکشد و از همه ظرفیت های اهریمنی خود سود می جوید. تنها قدرت ما در اتحاد و مبارزه متحدانه ما است. تنها راه نجات ریحانه گسترش دادن به اعتراضات است، میمندی نژاد و

انجمن اش به اندازه کافی آب بر آتش اعتراضات ریختند به اندازه کافی سعی کردند که وعده و وعید اجرا نشدنی بدهند. يك چیز مشخص شد این انجمن و این فرد بیش از آنکه به فکر مقابله با اعدام باشد، در جنبش علیه اعدام نقش خاکریزدفاع از حکومت اعدام را بازی میکنند. در مقابل سیل عظیمی به اسم جنبش علیه اعدام که میروند پایه های رژیم اسلامی را به لرزه در آورد، مانع ایجاد میکنند و به نفع حکومت اعدام بازی میکنند.

او بسوی ما لجن پرتاب میکند. ورود این جناب به صف لجن پرتاب کنندگان را به ایشان تبریک میگوییم و اعلام میکنیم که داستان بر سر مبارزه علیه اعدام و علیه يك سیستم و حکومتی است که با طناب دار زنده است. لطفا کنار بروید که ما کارمان را بکنیم بین مردم و معترضین علیه اعدام و جنبش علیه اعدام با رژیم نکبت اسلامی حائل نشوید این به نفع امروز و آخرتتان است!*

مینا احدی - کمپین نجات ریحانه جباری

روز جهانی حمایت از رضا شهابی ، بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی

**بیگتهای اعتراضی در سیدنی، گوتنبورگ، اسلو، تورنتو،
لندن، بیرمنگام، کلن و فرانکفورت**

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در رابطه با وضعیت کارگران زندانی رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی سه چهره دفاع از آزادیخواهی و انسانیت در زندانهای رژیم اسلامی، کمپینی را به پیش میبرد و در این راستا روز ۱۱ مرداد برابر با ۲ ماه اوت را روز جهانی حمایت از این کارگران و تمامی کارگران زندانی اعلام کرده است.

خواست ما آزادی بدون قید و شرط رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی و همه زندانیان سیاسی است.

لندن: شنبه دوم اوت، میدان ترافالگار، ساعت دو تا ۴ بعداز ظهر - تلفن تماس فریبز پویا - ۰۷۸۶۱۷۴۰۹۹۹

بیرمنگام: شنبه دوم اوت میدان اصلی شهر بول رینگ ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر - تلفن تماس - سیروان قادری ۰۷۴۴۶۱۳۵۸۵۷

احزاب و نیروهایی که به کارزار ۲ اوت، ۱۱ مرداد پیوسته و برگزار کننده این روز هستند:

کمیته دفاع از شاهرخ زمانی
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
نهاد مادران علیه اعدام
حزب کمونیست کارگری ایران
کمپین برای آزادی کارگران زندانی - واحد انگلستان

Free Them Now
free-them-now.blogspot.co.uk



REZA SHAHABI



SHAHROKH ZAMANI



BEHNAM EBRAHIMZADEH

FREE THEM NOW!

CAMPAIGN TO
FREE JAILED WORKERS IN IRAN

تظاهرات سراسری در آلمان علیه داعش



حضور بهم رسانند.
شورای مرکزی اکس مسلم
۱ آگوست ۲۰۱۴

سرکوبگرانه و وحشیانه داعش و جنبش اسلامی متحد شوند. مینا احدی در میتینگی در شهر کلن آلمان در روز ۲۶ جولای شرکت و سخنرانی کرد .

<https://www.facebook.com/photo.php?v=819317581413002&set=vb.100000043025924&type=2&theater>

ما در همه جا در میتینگهای روز ۲ اوت شرکت خواهیم کرد و از همگان دعوت میکنیم با حضور در این میتینگها برای مقابله با داعش و جنبش اسلامی پیا خیزند. از ایرانیان در همه این شهرها دعوت میکنیم در این اعتراض گسترده و مهم

تروریستی اسلامی را شاهد هستیم. زن ستیزی یکی از معرفه های جنبش اسلامی است که داعش آنرا به اوج رسانده است. تهدید به کشتن مسیحی ها، ترور دسته جمعی جوانان سربردن و انسان کشی، شغل و حرفه اینها است و متأسفانه جهان نظاره گر این جنایات است و تا کنون اعتراض زیادی به این همه جنایت نشده است.

در روز شنبه ۲ اوت در آلمان سازمانهای متعددی فراخوان به يك اعتراض سراسری داده اند. سازمان اکس مسلم از این فراخوان حمایت میکند و از همگان دعوت میکند در اعتراض به سیاستهای

روز شنبه در شهرهای اسن، فرانکفورت، هانوفر، هامبورگ، پادبورن، ویس بادن، گوتزولوح، گروناو، و ... علیه سازمان تروریستی داعش

به خیابان برویم و به جنبش اسلامی و تروریستهای اسلامی نشان میدهم که از جنایات و وحشیگریهای این جنبش نمیترسیم و دنیا را علیه این فاشیستهای جنایتکار بسیج میکنیم. این تنها راه مقابله با جنبشی است که جهان با سکوت نظاره گر وحشیگریهای آنها است! گروه تروریست و ضد انسان داعش در عراق و سوریه، بجان مردم افتاده و هر روز جنایاتی فجیع و وحشتناک از این باند

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود